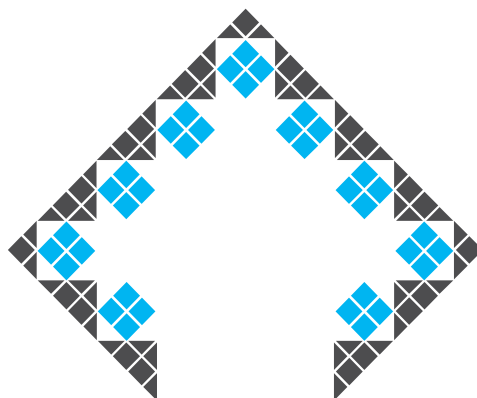




واکاوی رهیافت‌های پیشگیری وضعی از وقوع جرایم جنسی در قرآن کریم با تأکید بر حفظ حجاب



حجت‌الاسلام و المسلمین احمد رضا پور خاقان شاهرزایی، رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح و مدرس حوزه و دانشگاه

چکیده

پیشگیری موقعیت‌مدار با تسلط بر محیط و شرایط پیرامون جرم (وضعیت مشرف بر جرم) در صدد آن است که از طریق کاهش جذابیت آماج و جاذبه زدایی از آن، فزونی خطر شناسایی، احتمال دستگیری بزهکار و به‌طور کلی نامناسب جلوه دادن وضعیت پیش جنایی، آمار جرایم را مهار کند.

یکی از راه‌های پیشگیری وضعی از بزهکاری از وقوع جرایم جنسی از نظر قرآن کریم حفظ حجاب در مقابل نامحرم می‌باشد. در قرآن کریم آیات بسیاری به این مهم اختصاص داده شده است؛ به عنوان مثال آیه «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ» (سوره نور، آیه ۳۰)؛ «به مردان مؤمن بگو که چشمان خویش فروگیرند و شرمگاه خود نگه دارند. این برایشان پاکیزه‌تر است؛ زیرا خدا به کارهایی که می‌کنند آگاه است» حکایت از ضرورت حفظ حجاب دارد.

این مقاله با روش مطالعه کتابخانه‌ای به صورت توصیفی به ابعاد مختلف موضوع حجاب پرداخته است و اثبات می‌کند که حفظ حجاب به‌عنوان راه‌کاری پیشگیرانه از وقوع جرایم جنسی تأثیرگذار است.

واژگان کلیدی: پیشگیری، حجاب، جرایم جنسی، قرآن کریم



درآمد

یک قسم از پیشگیری غیرکیفری، پیشگیری وضعی یا همان موقعیت‌مدار است و وجه تسمیه آن به خاطر اقداماتی است که باعث می‌شود با تسلط بر محیط و شرایط پیرامون آن وضعیت مشرف بر جرم تغییر یابد و ریسک ارتکاب جرم را بالا برد، به گونه‌ای که باعث منصرف شدن فرد از ارتکاب بزه شود.

با بررسی آیات نورانی قرآن کریم ملاحظه می‌گردد، اسلام با ترغیب شهروندان جامعه به حفظ حجاب و پرهیز از قرار گرفتن در شرایطی که می‌تواند ارتکاب جرایم جنسی را تسهیل نماید (مثل خلوت با اجنبیه) و بالا بردن حساسیت مردم در مواجهه با منکرات و ترک معروفات اجتماعی نسبت به محدود نمودن موقعیت ارتکاب جرم و بالا بردن هزینه آن اقدام نموده است. در قرآن کریم آمده است:

«وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبَاءَ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولَى الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (سوره نور، آیه ۳۱)؛ «و به زنان مؤمن بگو که چشمان خویش فروگیرند و شرمگاه خود نگه دارند و زینت‌های خود را جز آن مقدار که پیداست آشکار نکنند و مقنعه‌های خود را تا گریبان فروگذارند و زینت‌های خود را آشکار نکنند، جز برای شوهر خود یا پدر خود یا پدر شوهر خود یا

پسر خود یا پسر شوهر خود یا برادر خود یا پسر برادر خود، یا پسر خواهر خود یا زنان هم‌کیش خود، یا بندگان خود، یا مردان خدمتگزار خود که رغبت به آن ندارند یا کودکانی که از شرمگاه زنان بی‌خبرند و نیز چنان پای بر زمین نزنند تا آن زینت که پنهان کرده‌اند دانسته «آشکار» شود. ای مؤمنان، همگان به درگاه خدا توبه کنید، باشد که رستگار گردید».

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّلزَّوْجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ أَن يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» (سوره احزاب، آیه ۵۹)؛ «ای پیامبر، به زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که چادر خود را بر خود فرو پوشند. این مناسب‌تر است تا شناخته شوند و مورد آزار واقع نگردند؛ و خدا آمرزنده و مهربان است».

در این مقاله با تأکید بر حفظ حجاب به ابعاد مختلف موضوعات مربوط به حجاب پرداخته خواهد شد.

۱- میزان تأثیر جلوه‌گری بر انتخاب انسان و تحریک‌پذیری او

آنچه در خصوص نگاه و تأثیر نافذ آن بر اندیشه و عقل انسان وجود دارد، در مورد قوه باصره نیز قابل تعمیم است. چون تا منظره محرکی در مقابل چشم قرار نگیرد این عضو کوچک از بدن که در تسخیر اراده انسان نقش بی‌بدیل دارد نمی‌تواند اعصاب سمپاتیک انسان را تحریک و در نتیجه قدرت اراده را مغلوب خود کند و با تکیه بر همین واقعیت است که امروزه بوق‌های تبلیغاتی جهان سعی می‌کنند با استفاده از بالاترین تکنیک ترکیب رنگ‌ها و نورپردازی، مشتری را برای خرید کالای خود شکار کنند. الیوت ارونسون می‌گوید: «قالب‌های فکری جنسی و نژادی به

ما می‌گویند که مردان و زنان چگونه با هم تفاوت دارند و هر عضو از یک گروه قوی چگونه است. پژوهش‌های بسیار نشان داده‌اند که اغلب مردم به سرعت نتیجه‌گیری می‌کنند که افراد زیبا موفق‌تر، احساسی‌تر، گرم‌تر و دارای منشی بهتر از افراد کمتر جذاب هستند» (ارونسون، ۱۳۸۶: ۱۶۰).

شهید مطهری در خصوص استفاده از زنان در فعالیت‌های تجاری می‌گوید: «یک نوع فعالیت اقتصادی که بنکدار به جای اینکه بکوشد جنس بهتر و مرغوب‌تر برای مشتریان خود تهیه کند، یک مانکن را به‌عنوان فروشنده می‌آورد، نیروی زنانگی و سرمایه همت و عفاف او را استخدام می‌کند و وسیله پول درآوردن و خالی کردن جیب‌ها قرار می‌دهد. یک فروشنده باید کالا را همان‌طوری که هست به مشتری ارائه دهد. ولی یک دختر خوشگل فروشنده با ادا و اطوار و ژست‌های زنانه و در معرض قرار دادن جاذبه جنسی خود مشتری را جلب می‌کند. بسیاری از افراد که اصلاً مشتری نیستند برای اینکه چند دقیقه با او حرف بزنند یک چیزی هم می‌خرند» (مطهری، ۱۳۹۰: ۹۹).

۲- معنای حجاب

هرچند در قرآن کریم به جز یک مورد در آیه ۵۳ از سوره احزاب که می‌فرماید: «...وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ...» و اگر از زنان پیامبر چیزی خواستید، از پشت پرده بخواهید»، عبارت حجاب در خصوص نقش اجتماعی زن به کار نرفته؛ اما امروزه در خصوص قواعد مربوط به پوشش زنان از منظر اسلام از لفظ حجاب استفاده می‌شود. هرچند که این لفظ نمی‌تواند به معنای واقعی فلسفه پوشش و جایگاه آن را تبیین نماید.



حجاب در لغت به معنای حائل شدن و پوشاندن می‌باشد (بندریگی، ۱۳۷۴: ۸۷) و در قرآن کریم نیز به معنای فاصله ایجاد کردن و پوشاندن آمده است. در این خصوص می‌توان به آیه ۴۶ از سوره اعراف «وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ...» «و میانشان حائلی است» و آیه ۵ از سوره فصلت «...وَمِنْ بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ...» «و میان ما و تو حجابی است» و آیه ۵۱ از سوره شوری «وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ...» «هیچ بشری را نرسد که خدا جز به وحی یا از آن سوی پرده، با او سخن گوید» و آیه ۴۵ سوره اسراء «وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا» «چون تو قرآن بخوانی، میان تو و آنان که به قیامت ایمان نمی‌آورند پرده‌ای ستبر قرار می‌دهیم» و آیه ۱۷ از سوره مریم «فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا...» «میان خود و آنان پرده‌ای کشید» و آیه ۳۲ از سوره ص «...تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ» «تا آفتاب در پرده غروب پوشیده شد» اشاره کرد، چون در تمام این آیات، حجاب همان معنای حائل و پوشش را می‌دهد و همان‌گونه که قبلاً اشاره شد فقط آیه ۵۳ از سوره مبارکه احزاب در خصوص تعیین نوعی حائل بین زنان پیامبر و دیگران آمده و حال آنکه در آیه ۳۱ از سوره مبارکه نور و ۵۹ از سوره مبارکه احزاب که به صراحت در خصوص حفظ پوشش سخن به میان آورده اشاره‌ای به لفظ حجاب نشده و شهید مطهری استعمال آن را در مورد پوشش زن یک اصطلاح نسبتاً جدید دانسته است. وی معتقد است: «در قدیم و مخصوصاً در اصطلاح فقها کلمه ستر که به معنی پوشش است به کار رفته. (وی اضافه می‌کند): بهتر بود این کلمه عوض نمی‌شد و ما همیشه همان کلمه پوشش را

به کار می‌بردیم؛ زیرا چنانکه گفتیم معنی شایع لغت حجاب پرده است و اگر در مورد پوشش به کار برده می‌شود، به اعتبار پشت پرده واقع شدن زن است. همین امر موجب شده که عده زیادی گمان کنند که اسلام خواسته است زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشد و بیرون نرود» (مطهری، ۱۳۹۰: ۷۳). ایشان در ادامه اضافه می‌کند: «وظیفه پوشش که اسلام برای زنان مقرر کرده است بدین معنی نیست که از خانه بیرون نروند. زندانی کردن و حبس زن در اسلام مطرح نیست. در برخی از کشورهای قدیم مثل ایران و هند، چنین چیزهایی وجود داشته است؛ ولی در اسلام وجود ندارد. پوشش زن در اسلام این است که زن در معاشرت خود با مردان بدن خود را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد. آیات مربوطه همین معنی را ذکر می‌کند و فتوای فقها هم مؤید این مطلب است» (همان).

۳- معنای حفظ فروج

فروج در لغت به معنای شکاف آمده است. فروج به معنای شکاف میان دو چیز، لب و دندان و در خصوص لباس شکاف جامه و در مورد انسان عکس انسان، عورت انسان (اعم از پس یا پیش) می‌باشد و در مفردات راغب چنین آمده: «الْفَرْجُ وَالْفَرْجَةُ شِكَافِي مِیَانِ دُو چیز مثل شکاف دیوار و فاصله میان دو پا که در مورد عورت کنایه شده است و در اثر کثرت استعمال با صراحت به همان معنی اصلی‌اش به کار می‌رود؛ ولی در اصطلاح فقه فرج دلالت بر عورت دارد. همان‌گونه که قبلاً ذکر شد راغب در مفردات می‌گوید: در اثر کثرت استعمال فرج کنایه از عورت دارد» (خسروی حسینی، ۱۳۷۵: ۴: ۲۸)؛ کما اینکه مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر المیزان

فرج را به معنای عورت آورده، آنجا که در ذیل آیه شریفه «...وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ...» می‌فرماید: «و واجب است بر ایشان پوشاندن عورت خود از مرد و زن بیگانه»^(۱) (طباطبائی، ۱۳۸۶، ج ۱۵: ۱۱۱).

۴- معنای خمار

در منجد الطلاب خمار به معنی مقنعه، پوشش و ساتر آمده (بندریگی، ۱۳۷۴: ۱۴۳)؛ و در ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن چنین آمده: «خمار در اصل پوشاندن چیزی است و به هر چیزی که با آن و به وسیله آن پوشانده می‌شود خمار گویند. ولی خمار در سخنان معمولی اسمی است برای روپوشی که زنان سر خود را با آن می‌پوشانند و جمع آن خمر است» (خسروی حسینی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۶۳۸) و در فرهنگ ابجدی آمده است که: «خمرت همراه یعنی آن زن روسری پوشیده، مقنعه بر سر کرد» (مهیار، ۱۳۷۵، ج ۱: ۲۹) و در مصباح المنیر در تعریف خمار چنین آمده: «لباسی (روپوشی) که با آن زن سرش را می‌پوشاند»^(۲) (فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲: ۱۸۱) و در قاموس القرآن چنین آمده: «خمر به معنی پوشاندن دست است. طبرسی می‌گوید: اصل خمر به معنی ستر و پوشاندن است و پس از قول راغب اضافه می‌کند: اصل خمر به معنی پوشانیدن شیء است و به آنچه با آن چیزی را می‌پوشانند خمار می‌گویند ولی در تعاریف خمار مخصوص شده به آنچه زن سر خود را با آن می‌پوشاند و جمع آن خمر بر وزن عنق می‌باشد» (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۳: ۲۹۹) و مرحوم علامه در تفسیر المیزان آن را به معنای لغوی خود گرفته و در ذیل آیه «...وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ...» آورده: «کلمه «خمر» به دو ضمه جمع خمار است و «خمار» آن جامه‌ای است که زن سر خود را با آن



می‌پسند و زائد آن را به سینه‌اش آویزان می‌کند» (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۱۵)؛ و در تفسیر نمونه آمده: «خُمُر جمع خِمار بر وزن حجاب در اصل به معنی پوشش است؛ ولی معمولاً به چیزی گفته می‌شود که زنان با آن سر خود را می‌پوشانند (روسری)» (مکارم شیرازی و غیره، ۱۳۷۱، ج ۱۴: ۴۴۰).

۵- معنای جیوب

در منجد الطلاب جیب به معنای یقه پیراهن یا گریبان و قلب و دل و سینه آمده (بندریگی، ۱۳۷۴: ۸۲) و در قاموس القرآن جیب به معنای قلب و سینه آمده است. در آنجا با اشاره به آیه «...وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ...» مقنعه‌های خود را تا گریبان فروگذارند» آمده، چارقه‌های خود را به سینه بزنند و قید کرده که در مجمع‌البیان آمده که زنان مأمور شدند، اطراف چارقه‌های خود را بر سینه‌ها بیفکنند تا گردنشان پوشیده شود. گفته‌اند وقت نزول آیه، زنان اطراف چارقه و روسری را جمع کرده به پشت سر می‌انداختند و سینه‌هایشان آشکار می‌شد. قاموس اقرب موارد معنای اولی جیب را قلب و سینه گفته است. ولی از گفته مجمع‌البیان پیداست که جیوب را به معنی گریبان‌ها (یقه لباس) گرفته است و آورده: «جیوب کنایه از سینه‌هاست؛ زیرا گریبان‌هاست که روی سینه‌ها را می‌پوشاند، ولی اگر جیوب را سینه‌ها معنی کنیم از لحاظ آیه و لغت اشکالی نخواهد داشت. به نظر می‌آید گریبان لباس را به جهت روی سینه بودن جیب القميص گفته‌اند. برعکس آنچه طبرسی فرموده است» (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۳: ۹۲)؛ و مرحوم علامه در تفسیر المیزان می‌فرماید: «کلمه «جیوب» جمع جیب به فتح جیم و سکون یاء است که معنایش معروف است و مراد از جیوب،

سینه‌ها است و معنایش این است که به زنان دستور بده تا اطراف مقنعه‌ها را به سینه‌های خود انداخته، آن را بپوشانند» (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۱۵)؛ و در تفسیر نمونه آمده: «جیوب جمع (جَب) بر وزن غیب به معنی یقه پیراهن است که از آن تعبیر به گریبان می‌شود و گاه به قسمت بالای سینه به تناسب مجاورت با آن نیز اطلاق می‌گردد و از این جمله استفاده می‌شود که زنان قبل از نزول آیه، دامنه روسری خود را به شانه‌ها یا پشت سر می‌افکندند، به طوری که گردن و کمی از سینه آنها نمایان می‌شد. قرآن دستور می‌دهد روسری خود را بر گریبان خود بیفکنند تا هم گردن و هم قسمتی از سینه که بیرون است مستور گردد» (مکارم شیرازی و غیره، ۱۳۷۱، ج ۱۴: ۴۴۰).

۶- مراد از مظهر

در آیه ۳۲ از سوره مبارکه نور آنجا که حکم حفظ حجاب بیان گردید زینت ظاهر استثناء شده است؛ اما حقیقتاً منظور از ماظهر منها در آیه شریفه چیست؟ مرحوم علامه در المیزان در ذیل آیه چنین آورده: «کلمه «بدء» به معنای اظهار است و مراد از «زینت زنان»، مواضع زینت است، زیرا اظهار خود زینت از قبیل گوشواره و دستبند حرام نیست، پس مراد از اظهار زینت، اظهار محل آنهاست. خدای تعالی از این حکم آنچه را که ظاهر است استثناء کرده»^(۳) (طباطبائی، ۱۳۸۶، ج ۱۵: ۱۱۱). اما نویسندگان تفسیر نمونه در این خصوص نظر دیگری دارند. ایشان با دسته‌بندی زینت‌آلات به آشکار و پنهان، آشکار ساختن زینت‌آلات پنهان را مشمول نهی در آیه دانسته‌اند و در این خصوص بیان داشته‌اند: «در اینکه منظور از زینتی که زنان باید آن را بپوشانند و همچنین زینت آشکاری که در اظهار

آن مجازند چیست؟ در میان مفسران سخن بسیار است، بعضی زینت پنهان را به معنی زینت طبیعی (اندام زیبای زن) گرفته‌اند، در حالی که کلمه زینت به این معنی کمتر اطلاق می‌شود، بعضی دیگر آن را به معنی محل زینت گرفته‌اند؛ زیرا آشکار کردن خود زینت مانند گوشواره و دستبند و بازوبند به تنهایی مانعی ندارد، اگر ممنوعیتی باشد مربوط به محل این زینت‌ها است؛ یعنی گوش‌ها و گردن و دست‌ها و بازوان، بعضی دیگر آن را به معنی خود زینت‌آلات گرفته‌اند. منتها در حالی که روی بدن قرار گرفته و طبیعی است که آشکار کردن چنین زینتی توأم با آشکار کردن اندامی است که زینت بر آن قرار دارد (این دو تفسیر اخیر از نظر نتیجه یکسان است هرچند از دو راه مسئله تعقیب می‌شود). سپس در ادامه نظر خود را چنین بیان می‌کند: حق این است که ما آیه را بدون پیش‌داوری و طبق ظاهر آن تفسیر کنیم که ظاهر همان معنی سوم است؛ بنابراین زنان حق ندارند زینت‌هایی که معمولاً پنهان است آشکار سازند. هرچند اندامشان نمایان نشود و به این ترتیب آشکار کردن لباس‌های زینتی مخصوصی را که در زیر لباس عادی یا چادر می‌پوشند مجاز نیست، چراکه قرآن از ظاهر ساختن چنین زینت‌هایی نهی کرده است» (مکارم شیرازی و غیره، ۱۳۷۱، ج ۱۴: ۴۳۹).

همچنین به نقل از تفسیر علی بن ابراهیم در ذیل آیه چنین آورده: «در روایات متعددی که از ائمه علیهم‌السلام نقل شده نیز همین معنی دیده می‌شود که زینت باطن را به قلاده (گردنبند)، ملج (بازوبند) و خلخال (پای برنجن، همان زینتی که زنان عرب در مچ پاها می‌کردند) تفسیر شده است» (همان: ۴۴۰-۴۳۹).



۷- نظر فقها در خصوص ما ظهر

هرچند در فتاوی بسیاری از مراجع معظم تقلید صرفاً به لزوم پوشاندن بدن و موی زن از نامحرم اکتفا شده، اما تعدادی دیگر موارد استثناء از پوشش را برای زنان بیان کرده‌اند و در واقع به نوعی استثناء مزبور دلالت بر تبیین ما ظهر مندرج در آیه شریفه دارد و ما در اینجا به بیان نظرات فقهای عظام می‌پردازیم:

مرحوم سیدمحمد کاظم طباطبایی یزدی درعروه الوثقی چنین آورده:

«بر زنان واجب است حفظ پوشش، همان‌گونه که بر مردان حفظ نگاه واجب است»^(۴) (طباطبائی یزدی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۸۰۷).

همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد ایشان وجه و کفین را استثناء نکرده‌اند و ظاهر امر حکایت از آن دارد که ایشان ظاهراً زینت را به وجه و کفین تفسیر نمی‌کنند. حضرت امام خمینی رحمه‌الله علیه نیز در رساله خود از نظر صاحب عروه پیروی کرده‌اند و وجوب پوشش از نامحرم را مطلق دانسته‌اند. ایشان در مسئله ۲۴۳۵ آورده: «زن باید بدن و موی خود را از مرد نامحرم بپوشاند» (بنی‌هاشمی خمینی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۴۸۸).

هرچند مرحوم اراکی و آیات عظام سیستانی و مکارم پوشاندن صورت و دست‌ها را تا میج واجب ندانسته‌اند (همان). بالاخره شهید مطهری در این خصوص بحث مستوفائی دارد که به خلاصه‌ای از آن اشاره می‌کنیم. ایشان در کتاب مسئله حجاب در ذیل آیه: «... و زینت‌های خود را جز آن مقدار که پیداست آشکار نکنند...» آورده است: «کلمه زینت در عربی از کلمه زیور در فارسی اعم است؛ زیرا زیور به زینت‌هایی گفته می‌شود که از بدن جدا می‌باشد، مانند طلا آلات و

جواهرات، ولی کلمه زینت هم به این دسته گفته می‌شود و هم به آرایش‌هایی که به بدن متصل است، نظیر سرمه و خضاب. مفاد این دستور آن است که زنان نباید آرایش و زیور خود را آشکار سازند. سپس دو استثناء برای این وظیفه ذکر شده است. استثناء اول آن است که «...إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا...» یعنی جز زینت‌هایی که آشکار است. از این عبارت چنین استفاده می‌شود که زینت‌های زن دو نوع است: یک نوع زینتی است که آشکار است، نوع دیگر زینتی است که مخفی است. مگر آنکه زن عمدتاً و قصداً بخواهد آن را آشکار کند. پوشاندن نوع اول واجب نیست، ولی پوشاندن زینت‌های نوع دوم واجب است. اینجا است که این پرسش به صورت یک مشکل پیش می‌آید که زینت آشکار کدام است و زینت نهان کدام؟ سپس ایشان با اشاره به نظر مرحوم صاحب کشف آورده: زینت عبارت است از چیزهایی که زن خود را بدان‌ها می‌آراید، از قبیل طلا آلات، سرمه، خضاب. زینت‌های آشکار از قبیل انگشتر، حلقه، سرمه و خضاب مانعی نیست که آشکار شود و اما زینت‌های پنهان از قبیل دست برنجن و پای برنجن، بازوبند، گردنبند، تاج، کمر بند، گوشواره باید پوشانیده شود. مگر از عده‌ای که در خود آیه استثناء شده‌اند.

ایشان در ادامه از قول صاحب کشف می‌آورد: در آیه پوشانیدن خود زینت‌های باطنه مطرح شده است نه محل‌های آن از بدن. این به خاطر مبالغه در لزوم پوشانیدن آن قسمت‌های از بدن است از قبیل ذراع، ساق پا، بازو، گردن، سر، سینه و گوش. ایشان سپس اضافه می‌کند: صاحب کشف آنگاه وارد استثنای دوم که محارم است می‌شود. سپس وضع زنان را قبل از نزول آیات شرح می‌دهد که گریبان‌هایشان

گشاد و باز بود، گردن و سینه و اطراف سینه‌شان دیده می‌شد و دامن روسری‌ها را معمولاً از پشت سر برمی‌گرداندند و قهراً قسمت‌های گردن و بناگوش و سینه دیده می‌شد. سپس شهید مطهری به بیان روایات در خصوص استثناء اول پرداخته و اضافه می‌کند: درباره این استثناء از ائمه اطهار علیهم‌السلام زیاد پرسش شده است و آنها جواب داده‌اند. زراره از امام صادق علیه‌السلام در خصوص قول خداوند متعال «...إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا...» نقل می‌کند که امام علیه‌السلام فرمود: زینت آشکار سرمه و انگشتر است^(۵) (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵: ۵۲۱) و ابوبصیر از امام صادق علیه‌السلام در این خصوص نقل می‌کند، حضرت فرمودند: انگشتر و دستبند است^(۶) (همان). سپس ایشان به بیان روایتی از سنن ابن داود جلد دوم، صفحه ۳۸۳ می‌پردازد و نقل می‌کند: اسماء دختر ابوبکر که خواهر عایشه بود به خانه پیامبر اکرم آمد، درحالی که جامه‌ای بدن‌نما و نازک پوشیده بود. رسول اکرم صلی‌الله علیه و آله روی خویش را از او برگرداند و فرمود: «یا اسماء ان الامرأ اذا بلغت المَحْضَ لم تصلح ان یری منها الا هذا و هذا و اشار الی کفه و وجهه»؛ «ای اسماء دختر وقتی به سن حائض شدن برسد (سن بلوغ) جایز نیست که از او جز اینجا و اینجا دیده شود و اشاره به دست و صورتشان نمودند». ایشان سپس اضافه می‌کند: «این روایات با نظر ابن عباس و ضحاک و عطا منطبق است، نه با نظر ابن مسعود که مدعی بوده است مقصود از زینت ظاهر، جامه است. سپس با بیان این استدلال که اساساً نظر ابن مسعود قابل توجیه نیست؛ زیرا جامه‌ای که خود به خود آشکار است جامه رواست نه جامه زیر و در این صورت معنی ندارد که گفته شود زنان زینت‌های خود



را آشکار نکنند مگر جامه رو را (چون) جامه رو قابل پوشاندن نیست تا استثناء شود، برخلاف چیزهایی که در کلمات ابن عباس و ضحاک و عطاسست و در روایات شیعه امامیه آمده است، نظر خود را چنین بیان می‌نماید: به هر حال این روایات می‌فهماند که برای زن پوشاندن چهره و دست‌ها تا می‌ج واجب نیست. حتی آشکار بودن آرایش‌های عادی و معمولی که در این قسمت‌ها وجود دارد، نظیر سرمه و خضاب که معمولاً زن از آنها خالی نیست و پاک کردن آنها یک عمل فوق‌العاده به شمار می‌رود نیز مانعی ندارد» (مطهری، ۱۳۹۰: ۱۳۷-۱۳۱).

۸- نحوه حفظ حجاب

«ای پیامبر به زنان و دختران و زنان مؤمنان بگو که خویشتن را به چادر فرو پوشند. این کار برای آنکه (از زنان آلوده) شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است»^(۷) (سوره احزاب، آیه ۵۹).

همان‌گونه که ملاحظه می‌کنید در این آیه خداوند متعال علاوه بر زنان و دختران پیامبر، زنان مؤمنه را به نحوه صحیح پوشش و حفظ حجاب سفارش می‌نماید تا مورد آزار چشم‌های هرزه‌گرد و افراد ناباب قرار نگیرند و بتوانند با آرامش بیشتری در جامعه حضور یابند. در اینکه مراد از حجاب چیست؟ اختلاف نظر وجود دارد. بعضی آن را به معنی پیراهن گشاد گرفته‌اند (بندریگی، ۱۳۷۴: ۷۰). حجاب ملحفه و لباس بالایی و چادر مانند است، نه فقط روسری و خمار و معنی آیه این است که: ای پیغمبر (ص) به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو لباس‌های چادر مانند خود را به خود نزدیک کنند و خود را با آن جمع‌وجور کنند (قرشی، ۱۳۷۱: ج ۳: ۴۶) و در کتاب التحقیق فی کلمات القرآن الکریم چنین آمده: «حجاب

پوششی است از مقنعه گشادتر (و بلندتر) و از رداء کوتاه‌تر»^(۸) (مصطفوی، ۱۴۰۲، ج ۲: ۹۴).

یک قسم از پیشگیری غیرکیفری، پیشگیری وضعی یا همان موقعیت‌مدار است و وجه تسمیه آن به خاطر اقداماتی است که باعث می‌شود با تسلط بر محیط و شرایط پیرامون آن وضعیت مشرف بر جرم تغییر یابد و ریسک ارتکاب جرم را بالا نبرد، به گونه‌ای که باعث منصرف شدن فرد از ارتکاب بزه شود.

و در مجمع البحرین نیز به معنای لباس گشاد آمده است (طریحی، ۱۴۱۶، ج ۲: ۲۴) و در مفردات راغب به معنای پیراهن و روپوش سر و چهره یا مقنعه آمده است (خسروی حسینی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۴۰۴). در تفسیر نمونه ضمن اشاره به این مطلب که مفسران و ارباب لغت چند معنی برای حجاب ذکر کرده‌اند: ۱- ملحفه (چادر) و پارچه بزرگی که از روسری بلندتر است و سر و گردن و سینه‌ها را می‌پوشاند. ۲- مقنعه و خمار (روسری) ۳- پیراهن گشاد و ... اضافه می‌کند: «گرچه این معانی با هم متفاوت هستند، ولی قدر مشترک همه آنها این است که بدن را به وسیله آن بپوشاند؛ اما بیشتر به نظر می‌رسد که منظور پوششی است که از روسری بزرگتر و از چادر کوچکتر است، چنانکه نویسنده لسان العرب روی آن تکیه کرده است» (مکارم شیرازی و غیره، ۱۳۷۱، ج ۱۷: ۴۲۸).

و در تفسیر نور به نقل از تفسیر مجمع‌البیان آمده: «جلایب جمع جلباب به معنای مقنعه‌ای است که سر و گردن را بپوشاند و به نقل از تفسیر المیزان آورده: به معنای پارچه بلندی است که تمام بدن و سر و گردن را می‌پوشاند» (قرائتی، ۱۳۹۰، ج ۷: ۳۹۸). همان‌طور که اشاره شد مرحوم علامه طباطبایی جلباب را به نوعی چادر که تمام بدن را می‌پوشاند تفسیر کرده‌اند: «کلمه «جلایب» جمع جلباب است و آن جامه‌ای است سرتاسری که تمامی بدن را می‌پوشاند و یا روسری مخصوصی است که صورت و سر را ساتر می‌شود» (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۵۱۰-۵۰۹).

سپس در تفسیر نمونه به صورت مفصل به نحوه بر سر کردن حجاب اشاره کرده و چنین آورده است: «در تفسیر علی بن ابراهیم در شأن نزول آیه نخست چنین آمده است: آن ایام زنان مسلمان به مسجد می‌رفتند و پشت سر پیامبر (ص) نماز می‌گزارند، هنگام شب موقعی که برای نماز مغرب و عشاء می‌رفتند بعضی از جوانان هرزه و اوپاش بر سر راه آنها می‌نشستند و با مزاح و سخنان ناروا آنها را آزار می‌دادند و مزاحم آنان می‌شدند. آیه فوق نازل شد و به آنها دستور داد حجاب خود را به طور کامل رعایت کنند تا به خوبی شناخته شوند و کسی بهانه مزاحمت پیدا نکند» (مکارم شیرازی و غیره، ۱۳۷۱، ج ۱۷: ۴۲۶).

سپس در ادامه تفسیر نمونه چنین آمده است: «در زمان پیامبر معمول بوده که کنیزان بدون پوشیدن سر و گردن از منزل بیرون می‌آمدند و از آنجا که از نظر اخلاقی وضع خوبی نداشتند گاهی بعضی از جوانان هرزه مزاحم آنان می‌شدند. در اینجا به زنان آزاد مسلمان دستور داده شد



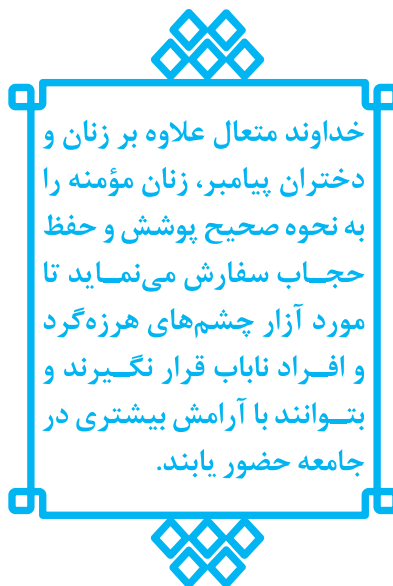
سن و سالی برسند که معمولاً آمیدی به ازدواج ندارند و به تعبیر دیگر جاذبه جنسی را کاملاً از دست داده‌اند، دیگر اینکه در حال برداشتن حجاب خود را زینت ننمایند. روشن است که با این دو قید مفاسد کشف حجاب در مورد آنان وجود نخواهد داشت و به همین دلیل اسلام این حکم را از آنان برداشته است. این نکته نیز روشن است که منظور برهنه شدن و بیرون آوردن همه لباس‌ها نیست، بلکه تنها کنار گذاشتن لباس‌های رو است که بعضی روایات از آن تعبیر به چادر و روسری کرده است (الجلباب و الخمار). در حدیثی از امام صادق علیه‌السلام در ذیل همین آیه می‌خوانیم که فرمود: الخمار و الجلباب، قلت بین یدی من کان؟ قال: بین یدی من کان غیر متبرجه بزنیه. منظور روسری و چادر است. راوی می‌گوید از امام پرسیدم در برابر هر کس که باشد؟ فرمود: در برابر هر کس باشد؛ اما خودآرایی و زینت نکند» (مکارم شیرازی و غیره، ۱۳۷۱، ج ۱۴: ۵۴۳) و بالاخره شهید مطهری در ذیل این آیه با استناد به روایتی از امام صادق علیه‌السلام آورده: «در روایات اسلامی حدود برداشتن پوشش برای زنان سالخورده تعیین گردیده است و ذکر شده که جایز است روسری خود را بردارند: عبدالله حلبی گفت امام صادق علیه‌السلام فرمود: مقصود از «...أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ...» روسری و چارقد است. گفتم جلو هر کس که بود؟ فرمود: جلو هر کس که بود، اما به شرط اینکه ساده باشد و نخواهد خودآرایی و خودنمایی نماید، فان لم تفعل فهو خیر لها (مطهری، ۱۳۹۰: ۱۵۳). ایشان در پایان اضافه می‌کند: از «...وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ...» می‌توان یک قانون کلی استنباط کرد و

خویش بنهند مرتکب گناهی نشده‌اند؛ و اگر عفت به خرج دهند برایشان بهتر است و خدا شنوا و داناست». یک گروه از کسانی که از امر حجاب با رعایت شریاطی استثناء شده‌اند قواعد از نساء هستند. قاعد در لغت به معنای نشسته است و قواعد جمع آن می‌باشد، به معنای بازنشستگان و بر زن یائسه که از شوهر و بچه آوردن افتاده نیز اطلاق می‌گردد (بندریگی، ۱۳۷۴: ۴۵۳) و در ذیل این آیه علامه طباطبایی (ره) چنین آورده: «کلمه «قواعد»، جمع قاعده است، که به معنای زنی است که از نکاح بازنشسته باشد، یعنی دیگر کسی به خاطر پیری‌اش میل به او نمی‌کند، بنابراین جمله «اللاتی لا یزجون نکاحاً» وصفی توضیحی برای کلمه قواعد است و بعضی گفته‌اند: کلمه مذکور به معنای زنی است که از حیض یائسه شده باشد و وصف بعد از آن صرفاً برای رفع اشتباه است؛ سپس ایشان به نقل از مجمع‌البیان چنین آورده‌اند: کلمه «تبرج» به معنای این است که زن محاسن و زیبایی‌های خود را که باید بپوشاند اظهار کند و این کلمه در اصل به معنای ظهور بوده، برج را هم به همین جهت برج نامیده‌اند، که بنایی است ظاهر و پیدا، سپس اضافه می‌کنند: این آیه در معنای استثنایی است از عموم حکم حجاب و معنایش این است که بر هر زنی حجاب واجب است الا زنان مسن، که می‌توانند بی‌حجاب باشند، البته در صورتی که کرشمه و تبرج نداشته باشند» (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۲۲۸-۲۲۷) و در تفسیر نمونه چنین آمده است: «در این آیه زنان پیر و سالخورده از حکم حجاب مستثنی شده‌اند و درواقع برای این استثناء دو شرط وجود دارد، نخست اینکه به

که حجاب اسلامی را کاملاً رعایت کنند تا از کنیزان شناخته شوند و بهانه‌ای برای مزاحمت به دست هرزگان ندهند. بدیهی است مفهوم این سخن آن نیست که اوباش حق داشتند مزاحم کنیزان شوند، بلکه منظور این است که بهانه را از دست افراد فاسد بگیرند. دیگر اینکه هدف این است که زنان مسلمان در پوشیدن حجاب سهل‌انگار و بی‌اعتنا نباشند. مثل بعضی از زنان بی‌بند بار که در عین داشتن حجاب آن‌چنان بی‌پروا و لابلالی هستند که غالباً قسمت‌هایی از بدن‌های آنان نمایان است و همین معنی توجه افراد هرزه را به آنان جلب می‌کند» (همان: ۴۲۷) و در ادامه در تفسیر عبارت «يُذْنِبْنَ» آورده: «منظور آن است که زنان جلباب را به بدن خویش نزدیک سازند تا درست آنها را محفوظ دارد، نه اینکه آن را آزاد بگذارد به طوری که گاه و بیگاه کنار رود و بدن آشکار گردد و به تعبیر خودمان لباس خود را جمع و جور کنند» (همان: ۴۲۸).

بنابراین اسلام نه تنها حجاب را واجب کرده، بلکه نحوه حفظ و رعایت آن را نیز دقیقاً بیان کرده تا افراد دچار بدحجابی نشوند و صریحاً منظور از حجاب را دریابند. امروزه به کرات ملاحظه می‌کنیم افراد هرزه کمتر جرأت می‌کنند به یک زن محجبه متلک بگویند یا برای او ایجاد مزاحمت نمایند؛ اما زنان بدحجاب آماج مزاحمت‌های خیابانی قرار می‌گیرند.

و یک استثناء: «وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (سوره نور، آیه ۶۰)؛ «پیرزنان که دیگر امید شوهر کردنشان نیست، بی‌آنکه زینت‌های خود را آشکار کنند، اگر چادر



آن این است که از نظر اسلام هر قدر زن جانب عفاف و ستر را بیشتر مراعات کند پسندیده‌تر است و در رخصت‌های تسهیلی و ارفاقی که به حکم ضرورت درباره وجه و کفین و غیر داده شده است، این اصل کلی اخلاقی و منطقی (منطقی) را نباید از یاد برد» (همان).

از این آیه معلوم می‌شود اساساً دلیل حفظ حجاب بالا رفتن عفت اجتماعی و پرهیز از جلوه‌گری در مقابل نامحرمان می‌باشد، که نتیجه آن (جلوه‌گری) اشاعه فحشا و روابط نامشروع در متزلزل شدن توأم خانواده و در نتیجه اجتماع است. فلذا پیرزنانی که دیگر کسی نسبت به ایشان رغبت نگاه کردن ندارد و خودشان نیز از جنب و جوش جنسی افتاده‌اند از رعایت حجاب معاف شده‌اند و شرط بدون آرایش و خودنمایی دلیلی است بر آنچه در فوق به آن اشاره شد و البته چون اختلاط دو جنس مخالف در هر حال ولو در سن کهولت می‌تواند مفسده ساز باشد می‌فرماید: اگر عفت پیشه کنند برای ایشان بهتر است.

۹- حجاب مردان

در اینکه بنا به نص صریح آیه ۳۰ از سوره نور بر مردان نیز لازم است عورت خود را از نامحرم بپوشانند هیچ شکی نیست، اما در مورد وجوب پوشاندن اعضاء مختلف بدن مرد از نامحرم متأسفانه بین فقها اختلاف نظر وجود دارد و اکثر ایشان قائل به عدم وجوب می‌باشند. هر چند صراحتاً در فتاوی خود آن را نیاورده‌اند. از بین فقهاء معاصر می‌توان به دیدگاه آیت‌الله بهجت (ره) اشاره کرد که می‌فرمایند: «احتیاط واجب آن است که مرد هم بدن خود را از زن نامحرم بپوشاند اگرچه کمک بر حرام نباشد و اگر کمک بر حرام باشد پوشاندن بدن قطعاً واجب است. همان‌طور که پوشاندن عورت از زن نامحرم واجب

و مرحوم آیت‌الله گلپایگانی (ره) نظر مرحوم صاحب عروه را مقید کرده‌اند به لزوم پوشاندن اعضایی که سیره مستمر از زنان ائمه علیهم‌السلام بر پوشاندن آن بوده، ولی پوشاندن اعضایی که سیره عملی بر عدم تستر آن بوده و لو با علم به نگاه زن نسبت به او آن را جایز دانسته‌اند. ایشان در حاشیه بر عبارت مرحوم صاحب عروه (ره) «و واجب است بر ایشان حفظ پوشش با علم به اینکه زنان عمداً به (بدن) آنها نگاه می‌کنند» چنین اضافه

می‌کنند که: «به دو شرط آن نگاه حرام است ۱- در غیر اعضایی که زنان معمولاً به آن نگاه می‌کنند ۲- به شرط آنکه با خوف واقع شدن در گناه و لذت بردن باشد. در این صورت واجب است (بر مرد) خود را بپوشاند از باب حرمت اعانه بر گناه»^(۱۱) (موسوی گلپایگانی، ۱۳۹۰، ج ۲: ۸۰۷)؛ بنابراین ایشان در نهایت با علم به نگاه گناه‌آلود زن تستر را بر مرد واجب می‌دانند و همان نظر صاحب عروه را مطلقاً تأیید می‌کنند؛ اما در ادامه قید دیگری برای حرمت عدم تستر دارند و آن قاصد بودن مرد بر اعانه است و حرمت بدون قصد بر اعانه را محل تأمل می‌دانند و سپس آن را از باب احتیاط (واجب) لازم می‌دانند^(۱۲) (همان). البته حضرت امام (ره) در کتاب النکاح از تحریر الوسيله در نهایت پوشش را بر مرد از باب جلوگیری از نگاه عامدانه زن بنا بر احتیاط لازم می‌دانند و می‌فرمایند: «بر مردان واجب نیست خود را از زنان اجنبیه بپوشانند هر چند که بر زنان حرام است، به مردان اجنبی نظر کنند به جز آنچه استثناء شده و اگر کسی از مردان اطلاع پیدا کند که زنان تعدد دارند به وی نظر بیندازند نزدیک‌تر به احتیاط آن است که خود را از آنان بپوشاند، هر چند که اقوی واجب نبودن آن است»^(۱۳) (موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۲: ۲۴۴)؛

است و نیز احتیاط واجب آن است که مرد بدن خود را از دختر نامحرمی که نه سالش تمام نشده ولی خوب و بد را می‌فهمد بپوشاند، اگرچه قصد لذتی در بین نباشد» (بنی‌هاشمی خمینی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۴۸۸). البته مرحوم صاحب عروه (ره) در باب حفظ پوشش برای زن در ادامه مسئله ابتدا می‌فرماید: «بر مردان واجب نیست که خود را (غیر از عورتین) از نامحرم بپوشانند، اگرچه بر زنان حرام است که نگاه کنند»^(۹) (طباطبائی یزدی، بی‌تا، ج ۲: ۸۰۷)؛ اما بلافاصله با بیان حرمت اعانه بر ائمه چنین فتوا می‌دهد که: «و واجب است بر ایشان حفظ پوشش با علم به اینکه زنان عمداً به (بدن) آنها نگاه می‌کنند، از باب حرمت کمک کردن بر گناه»^(۱۰) (همان) و از حواشی مراجع عظام تقلید تأیید این نظر با مختصری تغییر به چشم می‌خورد. البته مرحوم امام خمینی (ره) صدق اعانه بر ائمه را در ما نحن فیه ممنوع می‌دانند و نتیجه می‌گیرند که حتی با علم بر اینکه زنان عمداً به مرد نگاه می‌کنند می‌فرمایند: «تستر (در غیر عورتین) واجب نیست» (موسوی خمینی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۸۰۷)



بنابراین هرچند مرحوم امام خمینی (ره) با بررسی نظر فقها و بیان سؤالات شفاهی موضوع را از مصادیق اعانه بر اثم نمی‌دانند، اما حفظ پوشش در مقابل نگاه عامدانه زن را بنا بر احتیاط لازم می‌دانند.

بودن اعضاء بدن و خصوصاً اعضاء محرک جنس مخالف مانند ران‌ها، سینه و شکم مقدمه گناه و نگاه شهوت‌آلود را برای زنان فراهم کند حفظ پوشش بر مرد عورتین می‌باشد، اما در جایی که عریان لازم است.

برآمد

زنان باید کل بدن خود را به جز صورت و کفین در مقابل نامحرم بپوشانند. حفظ حجاب اعم از پوشاندن بدن و برآمدگی‌های آن است و البته حفظ حجاب در مقابل محارم لازم نیست. عدم لزوم حفظ حجاب در مقابل شوهر با سایر محارم تفاوت دارد. زوجین در قبال یکدیگر نه تنها ملزم به حفظ حجاب نیستند، بلکه در رابطه با کامجویی جنسی سفارش به تن آرایشی شده‌اند. محارم باید در مقابل یکدیگر از حجابی متعارف برخوردار باشند. بر مرد نیز لازم است در مقابل نامحرم بخش‌هایی از بدن خود را که محرک است از باب پرهیز از اعانه بر اثم بپوشانند. حفظ حجاب فراتر از پوشش است و رعایت رفتار اجتماعی را نیز در بر می‌گیرد (اعم از نحوه راه رفتن و سخن گفتن و اختلاط با مردان). از فراز آخر آیه ۶۰ سوره نور نتیجه می‌گیریم حفظ عفاف و پاکدامنی بهترین دستاورد حجاب برای جامعه است.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- «و یجب علیهن ستر العوره عن الاجنبی و الاجنبیه».
- ۲- «توب تعطی به المراه رأسها».
- ۳- «و فی قرب الاسناد للحمیری عن علی بن جعفر عن اخیه موسی بن جعفر علیهم السلام قال: سألت عن الرجل ما یصلح له ان ینظر الیه من المراه التي لا تحل له؟ قال: الوجه والكف و موضع السوار».
- ۴- «یجب علی النساء التستر کما یحرم علی الرجال النظر».
- ۵- «الزینة الظاهره الکحل و الخاتم».
- ۶- «قال علیه السلام: الخایم و المسکه وهی القلب دستبند».
- ۷- «یا اَیُّهَا النَّبِیُّ قُلْ لَأَزْوَاجُکَ وَبَنَاتُکَ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِیْنَ یُذْنِبْنَ عَلَیْهِنَّ مِنْ جَلَابِیْهِنَّ ذَٰلِکَ أَذْنٰی اَنْ یَّعْرِضْنَ فَلَا یُؤْذِیْنَ وَكَانَ اللّٰهُ غَفُوْرًا رَّحِیْمًا».
- ۸- «والجلباب ثوب اوسع من الخمار و دون الرداء».
- ۹- «لا یجب علی الرجال التستر وان یحرم علی النساء النظر».
- ۱۰- «ویجب علیهم التستر مع العلم بتعمد النساء فی النظر من باب حرمة الاعانه علی الاثم».
- ۱۱- «فی غیر ما جرت السیره بنظرهن مع الریبه والالتذاذ یجب التستر علیه من باب حرمة الاعانه».
- ۱۲- «و ان کان المتیقن منها حکماً و موضوعاً هو مع قصد الاعانه واما بدونه فمحل تامل نعم التستر احوط».
- ۱۳- «و لا یجب علی الرجال التستر و ان کان یحرم علی النساء النظر الیهن عدا ما استثنی و اذا علموا بان النساء یتعمدن النظر الیهن فالاحوط التستر منهن و ان کان الاقوی عدم وجوبه».

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم، مترجم، عبدالمحمد آیتی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۴
- منابع فارسی (یا ترجمه شده)
- ۲- ارونسون، الیوت، روانشناسی اجتماعی، مترجم حسین شکرشکن، چاپ اول، ویراست ۸، تهران، انتشارات رشد، ۱۳۸۶
- ۳- بند ریگی، محمد، منجد الطلاب (فرهنگ لغت)، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴
- ۴- بنی‌هاشمی خمینی، سیدمحمد حسن، توضیح المسائل مراجع عظام، چاپ نهم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۳
- ۵- خسروی حسینی، سیدغلامرضا، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، چاپ اول، تهران، انتشارات مرتضوی، ۱۳۷۵
- ۶- قرائتی، محسن، تفسیر نور، چاپ ششم، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۹۰
- ۷- قرشی، سید علی‌اکبر، قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱
- ۸- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، چاپ اول، تهران، مرکز الکتاب للترجمه والنشر، ۱۴۰۲
- ۹- مطهری، مرتضی، مسئله حجاب، چاپ نود و پنجم، تهران، صدرا، ۱۳۹۰
- ۱۰- مکارم شیرازی و غیره، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ یازدهم، تهران دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱
- ۱۱- موسوی همدانی، سیدمحمد باقر، ترجمه تفسیر المیزان، چاپ پنجم، قم، اسلامی، ۱۳۷۴
- ۱۲- مهیار، رضا، فرهنگ ابجدی، عربی-فارسی، الامی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۵
- منابع عربی
- ۱۳- طباطبائی یزدی، سیدمحمد کاظم، عروه الوثقی، المکتبه العلمیه الاسلامیه، تهران، بی‌تا
- ۱۴- طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیرالقرآن، مترجم سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، اسلامی، ۱۳۸۶
- ۱۵- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تهران، کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم، ۱۴۱۶
- ۱۶- فیومی، احمد بن محمد، مصباح المنیر (فی تفسیر القرآن الکریم)، موسسه دارالهجره، قم، ۱۴۱۴
- ۱۷- کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵
- ۱۸- موسوی خمینی، روح‌الله، تحریرالوسیله، چاپ دوم، قم، موسسه مطبوعات دارالعلم، بی‌تا